



پسر گلم، با توجه به درس «نویسنده ی بزرگ» و با استفاده از کلمات زیر جاهای خالی را کامل کن.

هَمّت‌تر - صحرا - سِماط - حاتم - آثار - قربانی - پشته - جوان مردی - عمل - گلستان - شیراز
بغداد - احادیث - تحصیلات - خانه ی خدا - خاطراتش - دوران

حاتم طایی را گفتند: «از خود بزرگ در جهان دیده‌ای یا شنیده‌ای؟» گفت: «بلی؛ یک

روز چهل شتر، کرده بودم اُمرای عرب را؛ و خود به گوشه‌ی ، به

حاجتی بیرون رفتم . خارکنی را دیدم، فراهم نهاده.»

گفتم: «به مهمانی چرا نیروی ؛ که خلقی بر او گرد آمده اند؟»

گفت: «هر که نان از خویش خورد * منت حاتم طایی نبرد»

من او را به همت و از خود، برتر دیدم. حکایتی که خواندید، از کتاب
سعدی است.

سعدی اهل بود. او کودکی و نوجوانی را در شیراز گذراند؛ تا چیزهای

بیشتری یاد بگیرد. ابتدا به رفت و در آنجا، خود را ادامه داد .

بعد به جاهای دیگر مانند سوریه، لبنان و روم رفت . همچنین، برای زیارت به

مکه سفر کرد. سرانجام پس از سی و پنج سال سفر، به شیراز برگشت و از ، حکایت‌ها

و شعرها نوشت.

سعدی با قرآن و نیز آشنایی کامل داشت .

مردم کشور ما، از گذشته تاکنون، با سعدی آشنا هستند.



باز خورد آموزگار :

نازنینم، در متن زیر نقطه ی حرف ها جا افتاده ، آن ها را با مداد رنگی بگذار

املاي درس
دوازدهم

آه ابران عرر !

هسب نعب، سسار

سررمس ررحر!

نوی درنای حرر

بو حه ربا هسی !

ما که در آب حلیح، که بود نام دل انگرس فارس

حه وربا هسی!

نام ربای مقدس که براریده بر ار هر نامی اسب

ما حهاں نافی و درنا و حلیحی نافسب

سررمس ررحر!

ما دهان های حریص

سررمسی که نه فرهنگ حهاں خدمت کرد

که اگر حواب بناسم، ر ما می گیرند

نه هبر روپی داد

می رباند نه رور

علم و داس گسرد

آن حه دارم و برای خود ماسب

مولوی، سعدی و حافظ برورد

مال ماء، نک نک ابرانی هاسب

راد فردوسی را

بهراسم برای حفظ

راد و برورد نه داس، حمام

ر خطر ما مشکل

راد بروپی راه، بوعلی سسا را

آه ابران عرر!

اس رمس ناگان

سررمس ررحر!

رادگاه مردان

بو ربا هسی !

حاک ناک ابران

حه وربا هسی!

که همه جسم طبع دوحه اند

نه همه نعب هاس



باز خورد آموزگار :